

ای منجذب بنفحات الهیہ مکتوب مفصل کہ بمسس گتسینگر...

حضرت عبدالہاء

Original English



۱۳۴

ای منجذب بنفحات الهیہ مکتوب مفصل کہ بمسس گتسینگر لوا مرقوم نموده بودید ملاحظہ گردید فی الحقیقہ در مسئلہ مدخل امراض تدقیقی نموده بودید و فی الواقع عصیانرا مدخلی عظیم در امراض جسمانیہ محقق است اگر چنانچہ بشر از اوساخ عصیان و طغیان بری بود و بر میزان طبیعی خلقی بدون اتباع شہوات سلوک و حرکت مینمود البتہ امراض باین شدت تنوع نمی یافت و استیلا نمینمود.

زیرا بشر منہمک در شہوات شد و اکتفا باطعمہ بسیطہ نکرد طعامهای مرگب و متنوع و متباین ترتیب داد و منہمک در آن و در رذائل و خطایا شد و از اعتدال طبیعی منحرف گشت لهذا امراض شدیدہ متنوعہ گوناگون حادث گردید.

زیرا حیوان من حیث الجسم ترکیب انسان است ولی چون باطعمہ بسیطہ قناعت نماید و چندان در اجرای شہوات مصرانہ نکوشد و ارتکاب معاصی نماید امراضش بالنسبہ بانسان قلیل است پس معلوم شد کہ عصیان و طغیان انسان را مدخلی عظیم در امراض است و این امراض بعد از حدوث ترکیب شود و توالد و تناسل نماید و سرایت در دیگران کند این اسباب معنوی علل و امراض است.

و اما اسباب جسمانی صوری امراض اختلال میزان اعتدال در اجزای مرگبہ جسم انسانست مثلاً جسم انسان از اجزای متعدده مرگب است ولی هر جزئی از این اجزا را مقداری معین کہ میزان اعتدال است و چون این



ORIGINAL



AUDIO

اجزاء بر حسب میزان معتدل طبیعی در مقدار باقی و برقرار ماند یعنی هیچ جزئی از مقدار و میزان طبیعی تجاوز نکند و تزیاد و نقصان نیابد مدخل جسمانی از برای امراض حاصل نگردد.

مثلاً جزء نشویرا میزانی و جزء شکری را میزانی اگر بر میزان طبیعی باقی ماند مدخلی از برای امراض حاصل نشود ولی چون این اجزاء از میزان طبیعی تجاوز کند یعنی تزیاد و تناقص یابد البته از برای امراض مدخلی حاصل گردد.

این مسئله را بسیار تدقیق لازم است حضرت اعلیٰ روحی له الفداء فرموده‌اند که اهل بها باید فنّ طبّ را بدرجه ئی رسانند که باغذیه معالجه امراض نمایند و حکمتش این است که در اجزای مرگبه جسم انسانی از میزان اعتدال اگر اختلالی حاصل گردد لابد این مدخل امراض است مثلاً اگر جزء نشوی تزیاد نماید و یا جزء شکری تناقص جوید مرضی مستولی گردد حکیم حاذق باید کشف نماید که در وجود این مریض چه جزئی تناقص نموده و چه جزئی تزیاد حاصل کرده چون این را کشف نماید غذائی که جزء تناقص نموده در آن غذا بسیار است بمریض دهد و اعتدال حاصل کند و چون مزاج اعتدال یابد مرض مندفع شود.

و برهان این مسئله آنکه حیوانات سائره فنّ طبّ نخوانده‌اند و اکتشاف امراض و علل و دوا و علاج نموده‌اند هر حیوانی که بمرضی مبتلا گردد در این صحرا طبیعت او را دلالت بر نوعی از گیاه نماید و چون آن گیاه را تناول کند مرضش مندفع شود تشریح این مسئله این است که چون جزء شکری در جسم تناقص یابد بالطبع مزاج میّال بگیاهی شود که در آن جزء شکری وفور دارد و بسوق طبیعی که نفس اشتهاست در این صحرا در میان هزار نوع گیاه پیدا نماید که جزء شکری در آن بسیار است و آن را تناول کند و اجزاء مرگبه جسمش اعتدال حاصل نماید و دفع مرض شود.

این مسئله را بسیار تدقیق لازم است و چون اطبای حاذقه در این مسئله تعمیقات و تعقیبات مکمله مجری دارند واضح و مشهود شود که مدخل امراض از اختلال کمیّات اجزاء مرگبه جسم انسان است و معالجه‌اش بتعدیل کمیّت آن اجزاست و این بواسطه اغذیه ممکن و متصور است.

و البته در این دور بدیع فنّ طبّ منجر بآن خواهد شد که باغذیه اطباً معالجه نمایند زیرا که قوه باصره و قوه سامعه و قوه ذائقه و قوه شامه و قوه لامسه جمیع اینها قوای ممیزه‌اند تا نافع را از مضرّ تمیز دهند حال ممکن است که قوه شامه انسان که ممیز مشومات است از رائحه استکراه نماید و آن رائحه بجهت جسم انسان مفید باشد این مستحیل و محال است و همچنین قوه باصره که ممیز مبصرات است آیا ممکن است که مشاهده مزابل مستکراهه جسم انسان استفاده نماید استغفر الله من ذلک و همچنین قوه ذائقه نیز قوه ممیزه است قوه ذائقه چون از چیزی کره دارد البته آن مفید نیست اگر در بدایت فائده از او حاصل شود بالمآل مضرّتش محقق است.

و همچنین مزاج چون در مقام اعتدال باشد آنچه از آن متلذذ شود شبهه‌ئی نیست که آن مفید است ملاحظه کنید که حیوان در این صحرا که صد هزار نوع گیاه دارد میچرد و بقوه شامه استنشاق روایح گیاه میکند و بذائقه میچشد هر گیاهی که شامه از آن متلذذ و ذائقه از آن متلذذ آن را تناول کند مفید است اگر این قوه ممیزه را نداشت جمیع حیوانات در یک روز هلاک میشدند زیرا نباتات مُسممه بسیار و حیوانات از مخزن الادویه یخبر لکن ملاحظه کنید که چه میزان محکمی دارند که بآن کشف نافع از مضر مینمایند و هر جزئی که از اجزاء مرگبه جسمشان تناقص نماید گیاهی بجویند که در آن جزء متزاید است و تناول کنند و اجزاء مرگبه اعتدال حاصل نماید و مرض مندفع شود.

و چون اطبای حاذقه معالجات را باغذیه رسانند و اطعمه بسیطه ترتیب دهند و نفوس بشر را از انهماک در شهوات منع کنند البتّه امراض مزمنه متنوعه خفت یابد و صحت عمومیه انسانیه بسیار ترقی کند و این محقق و مقرر است که خواهد شد همچنین در اخلاق و احوال و اطوار تعدیل کلی حاصل خواهد شد *